



Narcissistic narrative in elite and non-elite athletes

Shiva Lotfollahi¹ | Mir Hamid Salehian²✉

¹ Department of Physical Education, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: shiva.lotfollahi97@gmail.com

² Department of Physical Education, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: m_salehian@iaut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Objective: The purpose of this study was to investigate the narcissistic profile of elite and non-elite athletes. This research is applied and descriptive survey method.
Article history: Received 13 October 2024 Revised 29 December 2024 Accepted 29 December 2024 Published 19 March 2025	Methods: The statistical population included all calculated on basis of Cochran formula for unlimited society as 384 people, and finally 360 completed questionnaires. Data was collected by Russkin & Terry's (1988) narcissistic questionnaire. Kolmogorov-Smirnov test was used to investigate natural distribution of data. After identifying abnormal data of research, non-parametric U-Mann-Whitney statistical method was used to examine the difference between the variables and to prioritize the variables by Friedman test.
Keywords: Athletes, Narcissistic profile, Elite, Non-Elite,	Results: The results showed that there is a difference between narcissistic narrative (self-esteem, exploitation, pride, self-researcher) and elite and non-elite athletes. Also, there is no difference between narcissistic narrative (power and discretion, priority, self-esteem) of elite and non-elite athletes. Conclusions: Using the results of this research, necessary and appropriate solutions can be provided to officials, coaches, athletes, and parents to use appropriate narcissism to increase them.

Cite this article: Lotfollahi, Shiva. Salehian, Mir Hamid. (2024). Narcissistic narrative in elite and non-elite athletes. *Jahesh*, 2 (4), 39-54.



© The Author(s).

Publisher: Gorgan Branch, Islamic Azad University.



بررسی نیمرخ خودشیفتگی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه

شیوا لطف اللهی^۱ | میرحمید صالحیان^۲

گروه تربیت بدنی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: shiva.lotfollahi97@gmail.com
استادیار گروه تربیت بدنی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: m_salehian@iaut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی نیمرخ خودشیفتگی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پیمایشی - توصیفی می باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹	روش پژوهش: جامعه آماری آن کلیه ورزشکاران نخبه و غیر نخبه زن و مرد استان آذربایجان شرقی به تعداد ۵۰۰ نفر بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران برای جامعه ۳۸۴ نفر محاسبه گردید و در نهایت ۳۶۰ نفر پرسشنامه ها را تکمیل کردند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه خودشیفتگی راسکین و تری (۱۹۸۸) استفاده شد. جهت بررسی طبیعی بودن توزیع داده ها از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف استفاده و پس از محرز شدن غیرطبیعی بودن داده های پژوهش، از روش آماری ناپارامتریک یومن ویتنی برای بررسی اختلاف میانگین متغیرها و برای اولویت بندی متغیرها از آزمون فریدمن استفاده شد.
کلیدواژه ها: نیمرخ خودشیفتگی، ورزشکاران، نخبه، غیرنخبه	یافته ها: نتایج نشان داد که بین نیمرخ خودشیفتگی (خود پسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود) ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت وجود دارد، اما بین نیمرخ خودشیفتگی (قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی) ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت وجود ندارد.
	نتیجه گیری: با استفاده از نتایج این تحقیق می توان راهکارهای لازم و مناسبی را در اختیار مسئولان و مربیان و ورزشکاران و والدین قرار خواهد گرفت تا از خودشیفتگی مناسب جهت افزایش آنان استفاده نمایند.



استناد: لطف اللهی، شیوا. (۱۴۰۳). بررسی نیمرخ خودشیفتگی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه. جهش، ۲ (۴)، ۵۴-۳۹.

© نویسنده گان.

ناشر: واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

یکی از مقوله‌هایی که مرتبط با دانش روز بوده و در یاری رساندن به ورزشکاران جهت موفقیت در میادین ورزشی موثر است. مباحث روحی و روانی ورزشکاران می‌باشد. از جمله مباحث روحی و روانی که اخیراً مورد توجه محققان و مدیران ورزشی قرار گرفته است اثرات خودشیفتگی ورزشکاران در حوزه‌های ورزش حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای از جمله توسعه ورزشی این ورزشکاران است. خودشیفتگی مترادف با بیش از حد معمول خود را دوست داشتن و یا خودبینی و خودتحسینی و خودمحوری می‌باشد (اورلیک و همکاران، ۲۰۰۳). این مقوله در ورزش اثرات متعدد و متغیری را باعث می‌گردد. با عنایت به نظر Leon (۲۰۰۶) بیشترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت ورزشکاران نخبه و غیرنخبه به عوامل روانی آنها مربوط می‌شود (Corvela و همکاران، ۲۰۰۹). خودشیفتگی از ویژگی‌های روانی است که به نظر می‌رسد نقش موثری بر عملکرد ورزشکاران در رقابت‌های ورزشی داشته باشد (رنجبری، ۲۰۱۴).

به همین سبب جهت آشنایی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه با وظایف خود نسبت به اینکه چه مقدار از خودشیفتگی برخوردار باشند تا بهره‌وری و کارایی و عملکرد بهتری داشته باشند و در اجرای مهارت و ورزش و مسابقه موفق عمل کنند. نگاهی فراگیر به این رویکرد نمایانگر آن است که لازمه موفقیت یک ورزشکار نحوه فائق آمدن بر میزان خودشیفتگی‌اش است که نتیجه این عملیات دستیابی به عملکرد و نتیجه بهتر است که به منبعی ارزشمند و فاخر جهت اشاعه ورزش در میان ورزشکاران تبدیل می‌شود و در واقع این دانش و توانمندی کنترل خودشیفتگی است که ورزشکارا را قادر به کشف، خلق، برانگیختن، جلب رضایت خود و مربی و باشگاه و تیم و برآوردن تقاضاها و خواسته‌های طرفداران ورزشی را می‌سازد (Nelson، ۲۰۱۴). که اگر در این زمینه ورزشکاران از استراتژی مناسبی استفاده نکنند متحمل زیان‌های بسیاری خواهند شد که این می‌تواند عواقب بدی را در پی داشته باشد که می‌تواند در درازمدت منجر به ترک ورزش توسط ورزشکار و آسیب‌های روحی و روانی در ورزشکاران می‌شود.

مفهوم خود که با تولد آدمی شروع به شکل‌گیری می‌کند، هسته و درون مایه شخصیت را شکل می‌دهد. انواع مختلف مفهوم خود به شکل‌گیری انواع متفاوت شخصیت منجر می‌شود که بیانگر الگوی معینی از رفتار و شیوه تفکر است که چگونگی سازگاری و تعامل فرد را با محیط نشان می‌دهد. یکی از ویژگی‌های شخصیتی، خودشیفتگی است که در پاره‌ای اوقات حالت افراطی پیدا می‌کند و زمینه ساز بروز انزوای فرد در محیط می‌شود. افراد با شخصیت خودشیفته، با احساس خود بزرگ‌بینی قوی، اشغال ذهنی موفقیت و قدرت و استعداد نامحدود مشخص می‌شوند. آنها مشتاق توجه دیگران بوده ولی از ابراز محبت متقابل ناتوان هستند (Raskin و همکاران، ۱۹۸۸). در بسیاری از افراد که مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته نیستند، این حالت در حد متعارف دیده می‌شود. از آنجا که این حالت در سازماندهی و جهت بخشی به بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی مانند

احساس ارزشمندی، عزت نفس، اعتماد به نفس، عملکرد مناسب و نظایر آن در جهت مثبت نقش دارد، ارزیابی آن حائز اهمیت است (میرصفیان، ۲۰۰۹).

فروید اصطلاح خودشیفتگی را برای توصیف بسیاری از ابعاد تجارب انسان به کار برد، زمانی آن را نوعی انحراف تلقی کرد و زمانی نیز این اصطلاح را برای توصیف مرحله ای از رشد نظیر مرحله خودشیفتگی اولیه بکار برد (Hill, Lapsley, ۲۰۱۱). روان‌شناسان اجتماعی و شخصیت، سطوح غیربالینی خودشیفتگی را مانند سایر صفات شخصیتی به صورت یک پیوستار از بهنجار تا نابهنجار در نظر می‌گیرند (Miller, Campbell, ۲۰۱۲). خودشیفتگی سبکی از شخصیت است که با ویژگی‌هایی همچون خودبزرگ بینی (در خیال یا در رفتار)، تخیلات افراطی در مورد قدرت، زیبایی و موفقیت، حساسیت زیاد نسبت به انتقاد و احساس بی‌نظیر بودن نیاز به تحسین و تمجید، فقدان همدلی، رشک شدید و داشتن نگرش متکبرانه مشخص می‌شود (Salehian & Dana, ۲۰۱۳). خودشیفتگی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است و برخی از پیامدهای مثبت آن مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی، شامل عزت نفس بالا، کاهش افسردگی، برون‌گرایی، خوشایندی اولیه و عملکرد بهتر در جمع می‌باشد (Wallace, Baumeister, ۲۰۰۶). از سوی دیگر عطش توجه، اطمینان افراطی به خود و فقدان همدلی برخی از پیامدهای منفی خودشیفتگی است (Yang, Pinsky, ۲۰۰۸). خودشیفتگی یک ویژگی جهت‌مند است که شامل یک حس استحقاق و احساس یک وضعیت ممتاز نسبت به دیگران است، این باور که فرد یک شخصیت منحصر به فرد دارد و مهمتر از دیگران است. این افراد به منظور سیراب کردن وجودشان بیش از حد نیاز به تأیید و تحسین دیگران دارند اما در نهایت آسیب پذیرند و از جانب دیگران طرد می‌شوند (Miller و همکاران، ۲۰۱۵). با این تفاسیر در سال‌های اخیر از مقیاس خودشیفتگی Raskin, Terry (۱۹۸۸) با متغیرهای (قدرت و اختیار، خود پسندگی، تقدم، خودنمایی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود) به کرات در پژوهش‌ها استفاده شده است. Kaplan, Sadoc (۱۹۹۸) در گزارش‌های تحقیقی خود دریافتند که افراد خودشیفته، اشخاص منحصر به فردی هستند که دیگران باید به گونه‌ای خاص با آنها رفتار کنند و تحمل انتقاد و بی‌اعتنایی را ندارند و فقط خود را مهم می‌دانند و در روابط بین‌فردی رفتاری استثمارگرانه دارند (Miller, ۲۰۰۶). Salehian & Namvar (۲۰۲۱) نشان داد که در گروه ورزشکاران نخبه بین خودشیفتگی با سازگاری اجتماعی روانی همبستگی منفی دیده می‌شود (Salehian & Namvar, ۲۰۲۱)، همچنین Salehian & Samadi (۲۰۲۱) بیان داشت که افزایش ابعاد خودشیفتگی شامل اقتدار، خودنمایی، برتری بودن، محق بودن، بهره‌کشی، خودپسندگی و غرور سبب کاهش این راهبرد می‌گردند (Salehian & Samadi, ۲۰۲۱).

افراد خودشیفته مستعد تجربه عواطف شدید و نوسانات خلقی هستند (پیمان، ۱۳۸۰). آنها اغلب دارای خلقی سرایت‌کننده، جذاب و رئیس‌مآب دارند و اغلب از دوستان خود می‌خواهند آنها را درک کرده و به آنها اعتماد کنند (Dineen, ۲۰۱۵). Boshman

Babomister, (۱۹۹۸) نشان داد که تهدید خود ادراک شده در ارتباط بین خودشیفتگی و پرخاشگری در ورزشکاران جوان نسبت به فرد تهدید کننده به عنوان یک متغیر واسطه عمل می کنند (Elman, Makelvie, ۲۰۰۸).

برای درک روانشناسی نخبه‌های ورزشی، پژوهشگران تفاوت‌های بین افراد نخبه و غیرنخبه را در رشته‌های مختلف ورزشی از نظر ابعاد شخصیتی بررسی می‌کنند. این پژوهش‌ها حاکی از آن است که نخبه‌های ورزشی از نظر هیجانی، ثبات بیشتری دارند و برون‌گراترند. همچنین در خود ابرازی و اعتماد به نفس از ورزشکارانی که در سطوح قهرمانی نیستند، برتر می‌باشند (میرصفیان، ۲۰۰۹). Saient و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که ورزشکاران نخبه در برخی رشته‌های ورزشی مانند دو و میدانی و ژیمناستیک، خودشیفتگی بیشتری نسبت به سایر رشته‌ها دارند. Nelson (۲۰۱۴) در پژوهش خود مشاهده کرد که تماشاگران فوتبال، این رشته را برتر از سایر رشته‌ها می‌دانند و فوتبالیست‌ها خودشیفتگی بیشتری را نشان می‌دهند و خود را برتر از افراد دیگر جامعه می‌پندارند. در همین زمینه، Nelson (۲۰۱۴) نشان داد که این دیدگاه به دلیل توجه بسیار زیاد به ورزشکاران نخبه و ملی پوش (مانند فوتبال) در جامعه مشاهده می‌شود. ورزشکاران ملی‌پوش درآمدهای زیادی دارند و رسانه‌های گروهی به آنها و حتی خاطرات شخصی آنها توجه زیادی معطوف می‌دارند که این امر زمینه‌ساز تجلی خودشیفتگی در آنها می‌گردد.

با مشخص شدن خودشیفتگی ورزشکاران، می‌توان گامی در جهت شناسایی فاکتورهای ایجاد کننده خودشیفتگی ورزشکاران و عوامل اثرگذار بر آن و در نتیجه طراحی برنامه‌هایی برای بهبود خودشیفتگی ورزشکاران در جامعه برداشت و میزان بهره‌وری را با توجه به این ارتباط تخمین زد. از نظر بسیاری از پژوهشگران، خودشیفتگی ورزشکاران بر بیشتر جنبه‌های بنیادی عملکرد ورزشکاران تأثیر دارد. اگر خودشیفتگی ورزشکاران را بعنوان عاملی ضروری در عملکرد ورزشکاران بدانیم، در این صورت باید به نحو احسن مدیریت شود و مدیریت آن نیاز به درک و شناختی روشن از آن دارد. بنابراین تحقیق حاضر می‌تواند پشتوانه‌ای ارزنده برای درک خودشیفتگی ورزشکاران و متعاقب آن مدیریت صحیح جهت بهبود خودشیفتگی ورزشکاران باشد.

از آنجائی که این ورزشکاران هستند که مسئولیت تمام وقایع و حوادث داخل و خارج سالن تمرینی را مدیریت می‌کنند، لذا، بررسی میزان خودشیفتگی ورزشکاران آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، آنچه برای سازمان‌های خدماتی مهم است، تلاش در جهت حل مسئله و مشکل خودشیفتگی ورزشکاران از طریق توجه به آشکار و نهان او در حال و آینده است. امروزه با ظهور روزافزون باشگاه‌های خصوصی و سایر نهادها در کنار سایر ورزشکاران، اهمیت بکارگیری طرح‌های نو در افزایش بهینه خودشیفتگی ورزشکاران نمایان می‌شود و این تحقیق سعی در بررسی نیمرخ خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و غیرنخبه می‌باشد که با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توان راهکارهای لازم و مناسبی را در اختیار مسئولان و مربیان و ورزشکاران و والدین قرار خواهد گرفت تا از خودشیفتگی مناسب جهت افزایش آنان استفاده نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی که به روش میدانی اجرا شد. جامعه آماری پژوهش کلیه ورزشکاران نخبه زن و مرد استان آذربایجان شرقی در دو رده سنی جوانان و بزرگسالان از رشته‌های انفرادی (کشتی، تکواندو، دوومیدانی، کاراته) که در سال ۱۳۹۷ در مسابقات قهرمانی استان شرکت کرده بودند و ورزشکاران غیرنخبه استان آذربایجان شرقی که در طول سه سال آخر نتوانسته بودند مقام‌هایی استانی را در رشته‌های مورد نظر بدست بیاورند می‌باشند به تعداد ۵۰۰ نفر (۲۵۰ نفر نخبه و ۲۵۰ نفر غیرنخبه) بودند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه گردید و برای پیشگیری از افت تعداد، حجم نهایی نمونه به تعداد ۴۴۰ نفر در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی طبقه‌ای ساده استفاده شد. محقق با هماهنگی مسوولان فدراسیون‌های مورد نظر و همچنین مسوولان مسابقات استانی با تماس تلفنی و ایمیلی، پرسشنامه‌ها را برای غیرنخبه‌ها ارسال کرده و با تماس حضوری در مسابقات پرسشنامه‌ها را بین ورزشکاران توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری نمود. از پرسشنامه خودشیفتگی راسکین و تری (۱۹۸۸) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه خودشیفتگی راسکین و تری (۱۹۸۸) دارای ۴۰ سوال بود که برای ورزشکاران نخبه و غیرنخبه در زیر مقیاس‌های (قدرت و اختیار، خودپسندگی، تقدم، خودنمایی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود) پرداخته است. مقیاس پاسخ‌دهی این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت است. روایی صوری پرسشنامه از طریق صاحب‌نظران و پایایی نیز در یک مطالعه آزمایشی از طریق آلفای کرونباخ پرسشنامه خودشیفتگی راسکین و تری (۱۹۸۸) ($\alpha = 0/81$) بدست آمد. از روش آماری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای طبیعی بودن داده‌های پژوهش استفاده شد. پس از محرز شدن غیرطبیعی بودن داده‌ها، از روش آماری ناپارامتریک آزمون یومن ویتنی با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۶ برای بررسی نیمرخ خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و غیرنخبه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

به منظور آزمون طبیعی بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در زیر ارائه شده است.
جدول ۱. نتایج آزمون کلموگراف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات ورزشکاران غیرنخبه

خودشیفتگی	قدرت و اختیار	خودپسندگی	تقدم	خودنمایی	بهره‌کشی	غرور	محقق دانستن
تعداد	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰
میانگین	۳/۲	۳/۵۰	۳/۱	۳/۲	۳/۳	۲/۷	۳/۲
انحراف استاندارد	۰/۳۴۷۳۲	۰/۶۶۵۱۸	۱/۶۸۴۸۵	۰/۷۸۲۹۱	۰/۵۵۸۴۱	۰/۹۸۰۳۹	۱/۱۴۶۶۱
کلموگراف - اسمیرنوف	۲/۰۸۳	۱/۱۸۲	۱/۴۵۰	۱/۶۰۷	۱/۳۱۷	۱/۷۰۷	۲/۱۳۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲	۰/۰۳۰	۰/۰۱۱	۰/۰۶۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹

یافته های جدول ۱ نشان داد که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵، به جز مولفه قدرت و اختیار و خودنمایی در بقیه مولفه ها توزیع داده ها طبیعی نمی باشد. بنابراین، این موضوع به این مفهوم است که برای مقایسه بین میانگین متغیرها در گروه ورزشکاران غیرنخبه باید از روش های آماری ناپارامتریک استفاده کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگراف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات ورزشکاران نخبه

خوشیفتگی	قدرت و اختیار	خود پسندگی	تقدم	خودنمایی	بهره کشی	غرور	محقق دانستن
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
۳/۴	۳/۶	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۷	۲/۹	۳/۳
۰/۳۲۸۰۶	۰/۴۹۸۸۸	۰/۶۵۴۶۳	۰/۵۶۱۲۷	۰/۶۳۸۰۵	۰/۷۴۵۶۰	۱/۰۶۶۹۵	۰/۸۰۳۲۲
۱/۰۳۸	۱/۶۲۴	۱/۵۰۳	۱/۵۶۲	۱/۷۷۵	۱/۷۱۹	۲/۹۶۶	۱/۵۵۱
۰/۲۳۱	۰/۰۱۰	۰/۰۲۲	۰/۰۱۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶
کلموگراف - اسمیرنوف سطح معناداری							

یافته های جدول ۲ نشان داد که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵، فرضیه صفر تایید نمی شود. بنابراین، به جز مولفه خودشیفتگی در بقیه مولفه ها توزیع داده ها طبیعی نمی باشد. بنابراین، این موضوع به این مفهوم است که برای مقایسه بین میانگین متغیرها در گروه ورزشکاران نخبه باید از روش های آماری ناپارامتریک استفاده کرد.

جدول ۳. مقایسه میانگین دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه در خصوص خودشیفتگی

رتبه ها	گروه	تعداد	میانگین رتبه ای	مجموع رتبه ها
خودشیفتگی	غیرنخبه	۲۴۰	۱۶۱/۶۰	۳۸۷۸۴/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۲۱۸/۳۰	۲۶۱۹۶/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (قدرت و اختیار)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۷۵/۱۷	۴۲۰۴۰/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۱۹۱/۱۷	۲۲۹۴۰/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (خودپسندگی)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۶۸/۶۳	۴۰۴۷۲/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۲۰۴/۲۳	۲۴۵۰۸/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (تقدم)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۷۷/۹۷	۴۲۷۱۲/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۱۸۵/۵۷	۲۲۲۶۸/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (خودنمایی)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۷۶/۲۰	۴۲۲۸۸/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۱۸۹/۱۰	۲۲۶۹۲/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (بهره کشی)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۶۵/۶۰	۳۹۷۴۴/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۲۱۰/۳۰	۲۵۲۳۶/۰۰
	کل	۳۶۰		

خودشیفتگی (غرور)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۷۱/۳۷	۴۱۱۲۸/۰۰
	نخبه	۱۲۰	۱۹۸/۷۷	۲۳۸۵۲/۰۰
	کل	۳۶۰		
خودشیفتگی (محقق)	غیرنخبه	۲۴۰	۱۷۲/۱۳	۴۱۳۱۲/۰۰
دانستن (خود)	نخبه	۱۲۰	۱۹۷/۲۳	۲۳۶۶۶/۰۰
	کل	۳۶۰		

جدول ۴. مقایسه میانگین دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه در خصوص خودشیفتگی

خودشیفتگی	قدرت و اختیار	خود پسندگی	تقدم	خودنمایی	بهره کشی	غرور	محقق دانستن
یومن ویتنی	۹۸۶۴/۰۰۰	۱۳۱۲۰/۰۰۰	۱۱۵۵۲/۰۰۰	۱۳۷۹۲/۰۰۰	۱۳۳۶۸/۰۰۰	۱۰۸۲۴/۰۰۰	۱۲۳۹۲/۰۰۰
ویلکاکسون	۳۸۷۸۴/۰۰۰	۴۲۰۴۰/۰۰۰	۴۰۴۷۲/۰۰۰	۴۲۷۱۲/۰۰۰	۴۲۲۸۸/۰۰۰	۳۹۷۴۴/۰۰۰	۴۱۳۱۲/۰۰۰
Z	۴/۸۷۶	-۱/۳۷۹	-۳/۰۷۰	-۰/۶۵۶	-۱/۱۱۴	-۳/۸۵۳	-۲/۱۶۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	۰/۰۰۲	۰/۵۱۲	۰/۲۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰

یافته ها در جدول ۳ و ۴ نشان داد که با توجه به میزان سطح معناداری که اگر از ۰/۰۵ بیشتر باشد، می توان گفت که اختلاف بین میانگین ها معنادار نمی باشد. پس می توان نتیجه گرفت که نیمرخ خودشیفتگی (خودپسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود) و ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت ندارد و بین نیمرخ خودشیفتگی (قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی) و ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نیمرخ خودشیفتگی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه بود. نتایج نشان داد که نیمرخ خودشیفتگی ورزشکاران نخبه بیشتر از غیرنخبه ها است. این نتیجه با یافته های حاتمی و همکاران (۱۳۹۲)، کوکس و یو (۲۰۱۶)، سینت و همکاران (۲۰۱۳)، نلسون (۲۰۱۴)، موجک و دیویس (۲۰۱۲)، بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست. زیرا، ورزشکاران با مولفه هایی چون قدرت و اختیار، خودپسندگی، تقدم، خودنمایی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می دهند که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران عادی و غیر ورزشکاران برون گرا تر و دارای روان آزرده گری کمی هستند (بیگلر و ویتینگ، ۲۰۰۹). قهرمانان ورزش های گروهی به طور معمول برون گرایی و وابستگی بیشتری دارند، اما ورزشکاران قهرمان در رشته های انفرادی رویکرد احساسی تخیلی دارند (کوکس و یو، ۲۰۱۶). ورزشکاران نخبه در برخی رشته های ورزشی مانند دو و میدانی و ژیمناستیک، خودشیفتگی بیشتری نسبت به سایر رشته ها دارند (سینت و همکاران، ۲۰۱۳). حاتمی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که بین دانشجویان ورزشکار ملی پوش با دانشجویان ورزشکار غیرملی پوش و دانشجویان غیرورزشکار در مقیاس

خودشیفتگی، روان آزرده‌گی‌گرایی و روان گسیختگی‌گرایی تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی در بعد برون‌گرایی دانشجویان ورزشکار ملی پوش نسبت به دانشجویان ورزشکار غیرملی پوش و دانشجویان غیرورزشکار نمره‌های بیشتری به دست آورده‌اند. نلسون (۲۰۱۴) در پژوهش با عنوان خودشیفتگی در فوتبال مشاهده کرد که تماشاگران فوتبال، این رشته را برتر از سایر رشته‌ها می‌دانند و فوتبالیست‌ها خودشیفتگی بیشتری را نشان می‌دهند و خود را برتر از افراد دیگر جامعه می‌پندارند. و همچنین، نشان داد که این دیدگاه به دلیل توجه بسیار زیاد به ورزشکاران نخبه و ملی‌پوش (مانند فوتبال) در جامعه است. ورزشکاران ملی‌پوش درآمدهای زیادی دارند و رسانه‌های گروهی به آنها و حتی خاطرات شخصی آنها توجه زیادی معطوف می‌دارند که این امر زمینه ساز تجلی خودشیفتگی در آنها می‌گردد. موجک و دیویس (۲۰۱۲) نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیرورزشکاران در ویژگی‌های برون‌گرایی، روان آزرده‌گی‌گرایی و روان گسیختگی‌گرایی مشاهده نکردند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته بواسطه اینکه از موقعیت‌های مبهم حداکثر استفاده را می‌برند تا برتر بودن خود را بر دیگران اثبات کنند. پرواضح است که استفاده از تمامی موقعیت‌های موجود به هر دلیل هم که باشد می‌تواند از عوامل موثر بر رشد و توسعه ورزش در ورزشکاران شود و آنها را به لحاظ رشدی در بهترین موقعیت قرار دهد هرچند این امر می‌تواند آسیب‌هایی هم به دنبال داشته باشد، لیکن همین عامل رشدی در ورزشکاران نخبه می‌تواند عامل سودمندی تلقی شود و به همین سبب یکی از پایه‌های رشد و توسعه در ورزش ورزشکاران به ویژه ورزشکاران نخبه همین عامل رشد باشد که خودشیفتگی می‌تواند تاثیر بسزایی بر آن داشته باشد.

نتایج نشان داد که بین نیمرخ خودشیفتگی قدرت و اقتدار ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های دینن (۲۰۱۵) و موجک و دیویس (۲۰۱۲) همسوست. ولی با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) ناهم‌سوست، که دلیل این ناهمخوانی شاید به خاطر تفاوت در جامعه آماری و نمونه آماری و فرهنگ جامعه آماری یا شرایط و موقعیت فرهنگی جامعه آماری پژوهش مورد نظر باشد. و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون استعدادی ذاتی برای اثر گذاشتن بر مردم، فرد موفق‌ی بودن، جلوه دادن رهبر خوب، ابراز نظر در برابر اطرافیان، داشتن اقتدار بر دیگران، رهبر خوب برای اطرافیان بودن در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه اقتدار، اثرگذار بر مردم، احساس موفقیت در امورات، احساس موفقیت در رهبری، جسارت و پرمدها بودن، اختیار داشتن، احساس تشخیص اختیار توسط دیگران، رهبریت، احساس رهبر زاده شدن می‌باشند (امس و همکاران، ۲۰۰۶). دینن (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ویژگی‌های شخصیتی افراد

خودشیفته را بررسی کردند و نشان دادند که افراد خودشیفته اغلب دارای خلقی سرایت کننده، جذاب و رئیس مآب دارند و اغلب از دوستان خود می‌خواهند آنها را درک کرده و به آنها اعتماد کنند. موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیر ورزشکاران در ویژگی‌های خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که هر یک از این مولفه‌ها را برای انجام موفقیت آمیز امورات خود بکار می‌گیرد و هر یک از این فاکتورها در ایجاد انگیزه برای رشد و توسعه ورزش در ورزشکاران بویژه غیرنخبه دارد. زیرا ورزشکاران نخبه شاید به قدرت و اقتدار بنابر مسائل و فرهنگ حاکم بر جامعه نمی‌خواهند از خود بروز دهند و یا شاید دنبال مصادیق جدیدی از قدرت و اختیار از طریق کانال‌های اجتماعی و فضای مجازی و ... باشند.

نتایج نشان داد که نیمرخ خودشیفتگی خودپسندگی ورزشکاران نخبه بیشتر از غیرنخبه‌ها است. این نتیجه با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) و نلسون (۲۰۱۴) و موجک و دیویس (۲۰۱۲) و بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون پذیرفتن مسئولیت برای تصمیم‌گیری، همیشه می‌دانم چه کار می‌کنم، گاهی با تکیه به دیگران کارها را انجام می‌دهم، می‌توانم به هر روشی که بخواهم زندگی کنم، قصد دارم شخص بزرگی باشم، از سایر اطرافیانم با استعدادتر هستم، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه خودپسندگی، پذیرش مسئولیت تصمیم‌گیری در زمان احساس شایستگی، اطلاع از عملکرد در برخی اوقات، عدم وابستگی به دیگران در انجام کارها، اعتقاد به آزاد تمام در سبک زندگی، امیدواری به موفقیت، اعتقاد به توانمندی در مقابل سایرین می‌باشد (امس و همکاران، ۲۰۰۶). تماشاگران فوتبال، رشته فوتبال را برتر از سایر رشته‌ها می‌دانند و فوتبالیست‌ها خودشیفتگی بیشتری را نشان می‌دهند و خود را برتر از افراد دیگر جامعه می‌پندارند. و همچنین، نشان داد که این دیدگاه به دلیل توجه بسیار زیاد به ورزشکاران نخبه و ملی‌پوش (مانند فوتبال) در جامعه است. ورزشکاران ملی‌پوش درآمدهای زیادی دارند و رسانه‌های گروهی به آنها و حتی خاطرات شخصی آنها توجه زیادی معطوف می‌دارند که این امر زمینه ساز تجلی خودشیفتگی در آنها می‌گردد (نلسون، ۲۰۱۴). موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیرورزشکاران در ویژگی‌های خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. بیگلر و

ویتینگ (۲۰۰۹) در تحقیق با عنوان مقایسه ویژگی‌های خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و عادی دریافتند که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران عادی و غیر ورزشکاران خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود کمتری هستند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که چنین فاکتورهایی به طور منطقی می‌تواند شایستگی ورزشکاران نخبه را نسبت غیر نخبه متعالی کند و چنین تفکری می‌تواند در امر ورزش ورزشکاران نخبه نقطه عطفی برای تداوم ورزش این ورزشکاران باشد.

نتایج نشان داد که بین نیمرخ خودشیفتگی تقدم ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) و دینن (۲۰۱۵) و موجک و دیویس (۲۰۱۲)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون هنگامی که مردم از من تعریف می‌کنند گاهی خجالت زده می‌شوم، فکر می‌کنم شخص خاصی هستم، دوست دارم مورد تمجید قرار گیرم، به هیچ دلیل دوست ندارم مردم در زندگی من کنجکاو کنند، من یک فرد خارق العاده‌ای هستم، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه تقدم، اعتقاد به فردی خوب بودن به هنگام تعریف شدن، علاقمندی به تعریف شدن، تمایل به ثبت زندگی نامه، اعتقاد به خارق العاده و استثنایی بودن می‌باشند (امس و همکاران، ۲۰۰۶). دینن (۲۰۱۵) نشان دادند که افراد خودشیفته اغلب دارای خلقی سرایت کننده، جذاب و رئیس مآب دارند و اغلب از دوستان خود می‌خواهند آنها را درک کرده و به آنها اعتماد کنند. موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیر ورزشکاران در ویژگی‌های خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که هر یک از این مولفه‌ها را برای انجام موفقیت آمیز امورات خود بکار می‌گیرد و هر یک از این فاکتورها در ایجاد انگیزه برای رشد و توسعه ورزش در ورزشکاران بویژه غیرنخبه دارد. زیرا ورزشکاران نخبه شاید برای تقدم و برتری توجهات ویژه‌ای به دوستان رسانه‌ای و مطبوعات و یا شعائر دینی داشته باشند.

نتایج نشان داد که بین نیمرخ خودشیفتگی خودنمایی ورزشکاران نخبه و غیرنخبه تفاوت وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) و نلسون (۲۰۱۴) و موجک و دیویس (۲۰۱۲)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون اساساً شخص

متواضعی هستم، تقریباً جرات انجام هر کاری را دارم، دوست دارم در مرکز توجهات باشم، معمولاً اگر امکان داشته باشد خودنمایی می‌کنم، دوست دارم شروع کننده مدهای روز باشم، واقعاً دوست دارم در کانون توجه دیگران باشم، وقتی در ملاعام هستم برایم مهم نیست که با دیگران ترکیب شوم، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه خودنمایی، فروتن، شجاعت در اعمال، ترجیح در جمع بودن و در کانون توجه بودن، بالیدن بر خود، آغازگر الگوهای جدید، علاقمندی به مشهور شدن، افسردگی و یا بی‌اعتنایی به هنگام بی‌توجهی مردم می‌باشند (امس و همکاران، ۲۰۰۶). تماشاگران فوتبال، رشته فوتبال را برتر از سایر رشته‌ها می‌دانند و فوتبالیست‌ها خودشیفتگی بیشتری را نشان می‌دهند و خود را برتر از افراد دیگر جامعه می‌پندارند و همچنین، نشان داد که این دیدگاه به دلیل توجه بسیار زیاد به ورزشکاران نخبه و ملی پوش (مانند فوتبال) در جامعه است. ورزشکاران ملی پوش درآمدهای زیادی دارند و رسانه‌های گروهی به آنها و حتی خاطرات شخصی آنها توجه زیادی معطوف می‌دارند که این امر زمینه ساز تجلی خودشیفتگی در آنها می‌شود (نلسون، ۲۰۱۴). موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیر ورزشکاران در ویژگی‌های خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که هر یک از این مولفه‌ها را برای انجام موفقیت آمیز امور خود بکار می‌گیرد و هر یک از این فاکتورها در ایجاد انگیزه برای رشد و توسعه ورزش در ورزشکاران بویژه غیرنخبه دارد. زیرا ورزشکاران نخبه شاید برای خودنمایی فضای بهتر مثل سلبریتی‌ها و یا عرف اجتماعی داشته باشند.

نتایج نشان داد که نیمرخ خودشیفتگی بهره‌کشی ورزشکاران نخبه بیشتر از غیرنخبه‌ها است. این نتیجه با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) و کاپلان و سادوک (۱۹۹۸) و موجک و دیویس (۲۰۱۲) و بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون سعی می‌کنم عواقب رفتار خود را بپذیرم، استفاده کردن از مردم برایم آسان است، به راحتی می‌توانم دست مردم را بخوانم، همه افراد دوست دارند حرف‌های مرا بشنوند، مردم گاهی اوقات آنچه به آنها می‌گویم باور می‌کنند، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه بهره‌کشی، توانمندی در بیان نظرات و پذیرش نتایج رفتار، احساس آسان بودن هدایت و کنترل افراد،

احساس خواندن ذهن و درک افراد، احساس علاقمندی، توانایی داستان سرایی و معتقد به متقاعد ساختن دیگران می باشد (امس و همکاران، ۲۰۰۶). افراد خودشیفته، اشخاص منحصر به فردی هستند که دیگران باید به گونه ای خاص با آنها رفتار کنند و تحمل انتقاد و بی اعتنایی را ندارند و فقط خود را مهم می دانند و در روابط بین فردی رفتاری استثمارگرانه دارند (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۸). موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه ای با ورزشکاران آماتور و غیر ورزشکاران در ویژگی های خودپسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹) در تحقیق با عنوان مقایسه ویژگی های خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و عادی دریافتند که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران عادی و غیر ورزشکاران خودپسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود کمتری هستند. در تبیین این یافته می توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که چنین فاکتورهایی استفاده می کنند به طور منطقی می تواند شایستگی ورزشکاران نخبه را نسبت غیر نخبه متعالی کند و چنین تفکری می تواند در امر ورزش ورزشکاران نخبه نقطه عطفی برای تداوم ورزش این ورزشکاران باشد. ولو این که این کار می تواند تبعاتی هم برای ورزشکاران نخبه بعد از دوران قهرمانی و یا آسیب دیدگی به دنبال داشته باشد که خود این ورزشکاران مورد بهره کشی توسط مربیان و سایر ورزشکاران قرار بگیرد.

نتایج نشان داد که نیمرخ خودشیفتگی غرور ورزشکاران نخبه کمتر از غیرنخبه است. این نتیجه با یافته های امس و همکاران (۲۰۰۶) و موجک و دیویس (۲۰۱۲) و بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست. زیرا، ورزشکاران با مولفه هایی چون نمایاندن بدنم را دوست دارم، دوست دارم به اندام من نگاه کنند، دوست دارم در آینه به خود نگاه کنم، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه غرور و خودبینی، شامل علاقمندی نسبت به رخ کشیدن خود به دیگران، تمایل و توجه بیشتر به نگاه کردن به بدن خود، علاقمندی به نگاه کردن خود در آینه می باشد (امس و همکاران، ۲۰۰۶). موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری بین ورزشکاران حرفه ای با ورزشکاران آماتور و غیرورزشکاران در ویژگی های خودپسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده کردند. بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹) در تحقیق با عنوان مقایسه ویژگی های خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و عادی دریافتند که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران عادی و غیرورزشکاران خودپسندگی، بهره کشی، غرور، محقق دانستن خود کمتری هستند. در تبیین این یافته می توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که چنین فاکتورهایی استفاده می کنند به طور منطقی می تواند شایستگی

ورزشکاران نخبه را نسبت غیرنخبه متعالی کند و چنین تفکری می‌تواند در امر ورزش ورزشکاران نخبه نقطه عطفی برای تداوم ورزش این ورزشکاران باشد. ولو این که این کار می‌تواند تبعاتی هم برای ورزشکاران نخبه بعد از دوران قهرمانی و یا آسیب‌دیدگی به دنبال داشته باشد که خود این ورزشکاران مورد بهره‌کشی توسط مربیان و سایر ورزشکاران قرار بگیرد.

نتایج نشان داد که نیم‌رخ خودشیفتگی محقق دانستن خود ورزشکاران نخبه نسبت به غیرنخبه بیشتر است. این نتیجه با یافته‌های امس و همکاران (۲۰۰۶) و موجک و دیویس (۲۰۱۲) و بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹)، نامور (۲۰۲۱) و صمدی (۲۰۲۱) همسوست و اینکه پژوهش مقایسه‌ای درباره این موضوع یافت نشد که بتوان بیشتر درباره آنها بحث شود. زیرا، ورزشکاران با مولفه‌هایی چون اگر بر جهان حکمرانی کنم، بهتر از وضع فعلی خواهد شد، معمولاً دارای احترامی هستم که شایسته آنم، به حق خود راضی هستم، انتظار زیادی از دیگران دارم، خشنود نخواهم شد مگر اینکه از همه شایسته‌تر باشم، انگیزه زیادی برای کسب قدرت دارم، در حیطه کاریشان سر و کار دارند، چون این ارتباطات برای خودشیفتگی ورزشکاران حیاتی می‌باشد و جایگاه آنها را به لحاظ خودشیفتگی از دیدگاه ورزشکاران نخبه و غیرنخبه مشخص می‌کند. نتایج پژوهش مختلف نشان می‌دهند که ورزشکاران خودشیفته در مولفه محقق دانستن خود و استحقاق، تفکر به توانمندی در مدیریت‌های بزرگ، علاقمندی به احترام دیگران نسبت به وی، شاد بودن منطقی یا انتظار شادی، کمک به دیگران، رضایت و تمایل به قدرت دارند (امس و همکاران، ۲۰۰۶). موجک و دیویس (۲۰۱۲) در گزارش تحقیقی با عنوان مقایسه خودشیفتگی در ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور نشان دادند که تفاوت معناداری را بین ورزشکاران حرفه‌ای با ورزشکاران آماتور و غیر ورزشکاران در ویژگی‌های خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود مشاهده، قدرت و اختیار، تقدم، خودنمایی کردند. بیگلر و ویتینگ (۲۰۰۹) در تحقیق با عنوان مقایسه ویژگی‌های خودشیفتگی در ورزشکاران نخبه و عادی دریافتند که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران عادی و غیر ورزشکاران خودپسندگی، بهره‌کشی، غرور، محقق دانستن خود کمتری هستند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان نمود ورزشکاران خودشیفته که چنین فاکتورهایی استفاده می‌کنند به طور منطقی می‌تواند شایستگی ورزشکاران نخبه را نسبت غیرنخبه متعالی کند و چنین تفکری می‌تواند در امر ورزش ورزشکاران نخبه نقطه عطفی برای تداوم ورزش این ورزشکاران باشد. بنابراین استحقاق می‌تواند نتیجه منطقی عملکرد ورزشی ورزشکاران نخبه نسبت به غیرنخبه باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله از همکاری تمامی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند. همچنین از داوران محترم، جهت ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌گردد.

منابع

- Bakkloer, F.C, Whiting H.T. (2009). Sport psychology concepts and application. Journal of personality and Social Psychology. 58: 785-801.
- Bani Nosrat, A. (2006). Relationship between selective leadership styles and success rate of East Azarbaijan wrestler coaches. Master's Thesis. Urmia University. In Persian.
- Campbell, W. K., Foster, J. D. (2011). The narcissistic self: Background, an extended agency model, and ongoing controversies. In: The self, Frontiers of social psychology. Sedikides C, Spencer SJ. Philadelphia: Psychology Press; 2011. Pp: 115-138.
- Cox, R.C. and Yoo, H.S. (2016). Playing position and psychological skill in American football. Journal of Sport Behavior, 18, 183- 194.
- Dineen, R. (2015). Personality characteristic differences of university student – athletes and non – athletes (PhD dissertation). Eugene, OR: university of oregon.Pp: 8-15
- Elman, W.F. and Makelvie, S.J.M. (2008). Narcissism in football players: Stereotype or reality? Journal of Sport Psychology. 49; Pp: 18-35.
- Gilson, D. N., and Gieaft, D. L. (1992). Different provocations trigger aggression in narcissists and psychopaths. Social Psychological and Personality Science. 1; Pp: 12–18.
- Hatami, H., Khodaverdi, A. A., Hatami, Z., Karimi, M. (2013). Comparison of narcissistic levels among female national, non-national and non-athlete students. Growth and Motor learning. 4; Pp: 107 - 124.
- Hill, P. L., Lapsley, D.K. (2013). Adaptive and maladaptive narcissism in adolescent development. Implications of narcissism and Machiavellianism for development of prosocial and antisocial behavior in youth. Washington DC: APA Press.
- Kaplan, S.N. and Sadouk, M.K. (1998). Sport and play in American life: A Textbook in sociology of Sport. New York: Saunders Publishing Company.
- Kurrola, T. S., Aggen, S. H., Kendler, K. S., Torgersen, S., Reichborn-Kjennerud, T., & Neale, M. C. (2009). Measurement non-invariance of DSM-IV narcissistic personality disorder criteria across age and sex in a population-based sample of Norwegian twins. International Journal of Methods in Psychiatric Research, 19; Pp: 156–166.
- Miller, J. D., Maples, J., Campbell, W. K. (2015). Comparing construct validity of scales derived from the Narcissistic Personality Inventory. Journal of Research in Personality. 12; Pp: 79 – 89.
- Miller, J. D., Campbell, W. (2012). Examining the relations among narcissism, impulsivity, and selfdefeating behaviors. Journal of Personality, 77; Pp: 761–794.
- Mirsefian, H. R., Arizi, H. R., Heidari, M. (2009). Comparing self-esteem of football players in different levels in Isfahan. Journal of Psychiatric Institute of Tehran. 26; Pp: 45 - 66.

- Morgan, P.W. and Johnson J.K. (2013). WR, Personality characteristics of successful and unsuccessful. *International Journal Sport Psychology*. 12; Pp: 38-49.
- Mujeck, Y.T. and Deivies, H.P. (2012). Personality differences between athletes and nonathletes. *Mat*. 31, 10. *Journal of Sport Behavior*. 22; Pp: 145-157.
- Muris, H. A. (2006). *Explorations in personality: A clinical and experimental study of fifty men of college age*. New York: Oxford University Press.
- Nelson, M.B. (2014). *The stronger women get, here more men love football: Sex and the American Culture of Sports*. New York: Harcourt Brace & Co.
- Ourlic, P. K., Luevano, V. X., & Adams, H. M. (2003). How the Dark Triad traits predict relationship choices. *Personality and Individual Differences*. 53(3); Pp: 180–184.
- Ranjbari, Sh. (2014). *Relationship between leadership styles of wrestler coaches with level of narcissism and motivation for development of free and Greco Roman wrestling*. Master's Thesis. Science and Research branch.
- Raskin, R.N., & Tery, C.S. (1988). The narcissistic personality inventory: Alternative form reliability and further evidence of construct validity. *Journal of Personality Assessment*, 45, 159-16.
- Saint Phard, D., Van Dorsten, B., Marx, R., York, K.A. (2013). Self-perception in elite collegiate female gymnastics, cross country runners kinetics runners and track and field athletes. *Mayo Clin Pro*. 74; Pp: 770-74.
- Wallace, H.M., Baumeister, R.F. (2006). The performance of narcissists rises and falls with perceived opportunity for glory. *Journal of Personality Social Psychology*. 82; Pp: 819-34.
- Wann, D.L. (2004). *Sport Psychology*. Upper Saddle River, New Jersey: prentice Hall.
- Young, S.M., Pinsky, D. (2008). Narcissism and celebrity. *Journal Research Personality*. 40: 463-71.